

برگزاری به صورت آنلاین می باشد



سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان

فراخوان مقاله



دانشگاه شهید چمران اهواز

نمایه مقالات



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
۰۹۳۶۷۷-۱۲۲۰



پایگاه اطلاعات علمی
جهاد دانشگاهی



پایگاه اطلاع رسانی سیولیکا

ششمین کنفرانس ملی

اقتصاد، مدیریت و حسابداری

6th

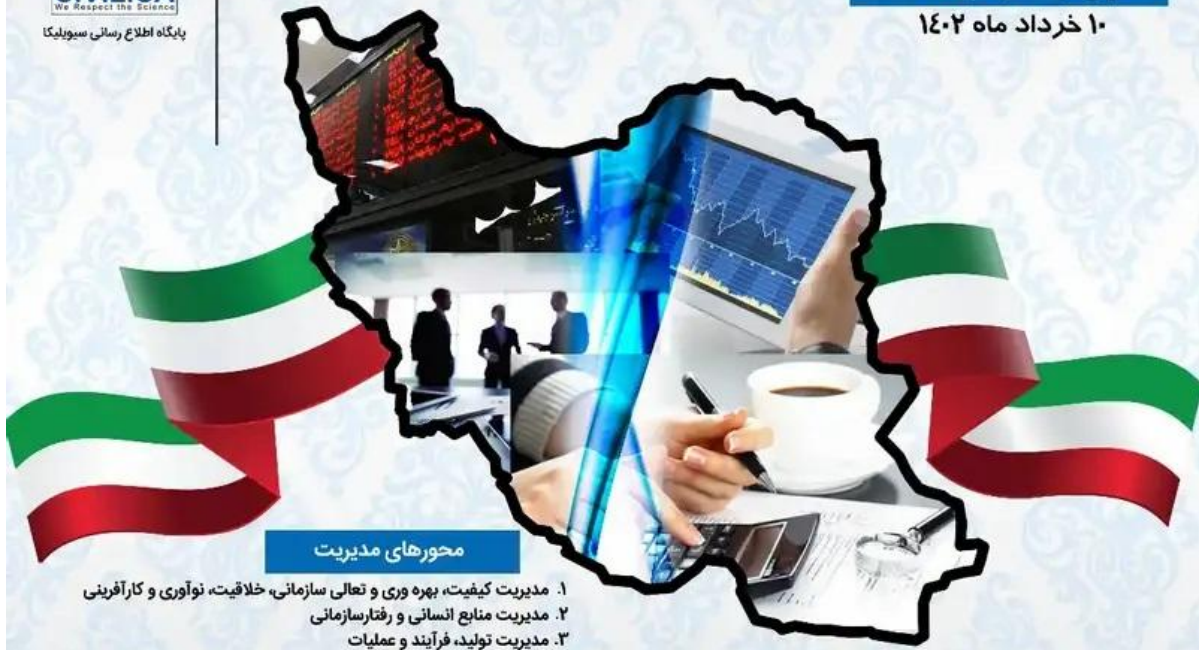
National Conference on Economics, Management and Accounting
June 28th, 2023 - Ahvaz, Iran.

۷ تیرماه ۱۴۰۲ - اهواز

www.6ema.ir

آخرین مهلت ارسال مقالات:

۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۲



محورهای مدیریت

۱. مدیریت کیفیت، بهره وری و تعالی سازمانی، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی
۲. مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی
۳. مدیریت تولید، فرآیند و عملیات
۴. مدیریت دانش پروژه و چالشهای سازمانهای پروژه محور
۵. مدیریت فناوری اطلاعات
۶. مدیریت تکنولوژی، تحقیق و توسعه
۷. مدیریت زنجیره تامین
۸. مدیریت دولتی

محورهای حسابداری

۱. حسابداری دولتی، صنعتی و بازرگانی
۲. بورس، مالیات و امور مالیاتی
۳. نقش حسابداران و حسابرسان در ایفای مسئولیت اجتماعی شرکتها
۴. حسابداری رمزارزها و گزارشگری مالی در محیط بلاکچین
۵. آموزش حسابداری و حسابرسی
۶. حسابداری و ارزشگذاری داراییهای نامشهود و منابع انسانی

محورهای اقتصاد

۱. اقتصاد دیجیتال و اقتصاد دانش بنیان
۲. تبیین اهمیت و نقش دانش اقتصاد و مدیریت در توسعه کشور
۳. تحول دیجیتال در حوزه مالی، بانکداری، بیمه و بورس
۴. دیدگاه ها، نظریه ها و یافته های پژوهشی داخلی و خارجی در حوزه های مالی
۵. اقتصاد محیط زیست
۶. اقتصاد تجارت و نفت و گاز و اقتصاد بین الملل
۷. اقتصاد شهری
۸. توسعه اقتصادی و برنامه ریزی
۹. مدیریت بحرانهای اقتصادی

دبیرخانه علمی: اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

دبیرخانه اجرایی: اهواز، سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان، اداره آموزش، پژوهش و فناوری

دبیرخانه پشتیبانی: اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، خیابان استاد یوسف بیات فر، ساختمان مرکز رشد، واحد ۱۴

تلفن: ۰۶۱۳۳۳۶۷۰۴۸ داخلی ۱۲۶ - اطلاع رسانی: ۰۹۰۲۰۸۵۲۰۹۷ - ایمیل: 6emaconfahv@gmail.com

بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر نابرابری درآمدی

مریم ریشه چی فیاض، محمدعلی فلاحي

مریم ریشه چی فیاض^۱، محمدعلی فلاحي^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد "دانشکده علوم اداری و اقتصاد" دانشگاه فردوسی مشهد

۲. نویسنده مسئول: استاد گروه اقتصاد "دانشکده علوم اداری و اقتصاد" دانشگاه فردوسی مشهد

* Email: falahi@um.ac.ir

چکیده

نابرابری در توزیع درآمد و اختلاف طبقاتی یکی از اصلی ترین معضلات جوامع امروزی است و اغلب جنبش های اجتماعی باهدف کاهش نابرابری و به وجود آمدن جامعه عادلانه شکل گرفته است. اگر راهکاری برای کاهش نابرابری درآمدی نداشته باشیم شکاف طبقاتی روز به روز بیشتر می شود و آثار زیان بار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر جامعه دارد. درآمدهای دولت از مهم ترین متغیرهای اثرگذار بر نابرابری درآمدی هستند، در کشورهای حوزه خلیج فارس بخش عمده درآمدهای دولت را درآمدهای حاصل از فروش نفت تشکیل داده است. افزایش قیمت نفت منجر به افزایش ذخایر ارزی و در نتیجه افزایش درآمد کشورهای صادرکننده نفت می شود. اگر این درآمدها به درستی مدیریت نشود باعث بیماری هلندی در کشورهای نفتی می شود. در صورتی که دولت ها تدبیر و سیاست درستی برای درآمد حاصل از فروش نفت نداشته باشند باعث افزایش نابرابری در جامعه می شوند. این پژوهش به بررسی نحوه اثرگذاری درآمدهای حاصل از فروش نفت در کشورهای منتخب حوزه خلیج فارس (که عمده درآمد تمام این کشورها نفت است) با استفاده از الگوی داده های تابلویی در بازه سال های ۲۰۲۰-۲۰۰۰ می پردازد. نتایج این پژوهش نشان می دهند که درآمد نفتی رابطه منفی و معنی داری با نابرابری درآمدی دارد، به این معنی که با افزایش درآمد نفتی نابرابری درآمدی کاهش می یابد. تورم تأثیر مثبتی بر نابرابری دارد و با بالا رفتن تورم وضعیت نابرابری درآمدی بدتر می شود. نرخ بیکاری نیز رابطه مثبت و معنی داری با نابرابری درآمدی دارد به این معنا که با افزایش نرخ بیکاری میزان نابرابری درآمدی در جامعه بدتر می شود.

واژه های کلیدی: درآمدهای نفتی، نابرابری درآمدی، توزیع ناعادلانه، داده های تابلویی، کشورهای خلیج فارس.

مقدمه

زمانی که توزیع درآمدی به شکلی باشد که فاصله دهک‌های درآمدی از هم زیاد باشد، نابرابری درآمدی گفته می‌شود. نابرابری درآمدی به عبارت دیگر اگر درآمدهای بالا در جامعه در دست اقلیت جامعه باشد و اکثر جامعه درآمد متوسط و کمی داشته باشند، در این صورت شکاف بین دهک‌های جامعه روزبه‌روز بیشتر می‌شود. در جوامعی که توزیع درآمد نابرابر است معمولاً درصد کمتری از درآمد کل جامعه به دهک‌های متوسط و پایین جامعه می‌رسد. این نابرابری در توزیع درآمدی مانع شکوفایی برخی استعدادها و باعث از بین رفتن نیروی انسانی فعال و کارآمد می‌شود در نتیجه آثار نامطلوبی بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

نابرابری درآمدی می‌تواند به شکل‌های مختلفی بر روابط بین‌المللی نیز تأثیر بگذارد و به تنش‌ها و ناهمواری‌هایی منجر شود که در ادامه مطرح می‌شود. آثار سیاسی و امنیتی: نابرابری درآمدی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روابط سیاسی و امنیتی بین کشورها داشته باشد. افزایش نابرابری درآمدی ممکن است باعث بروز نگرانی‌ها، ناامنی‌ها و تنش‌های اجتماعی شود که می‌تواند تأثیری بر استقرار صلح و ثبات منطقه‌ای داشته باشد. استثمار خارجی: نابرابری درآمدی می‌تواند آثار مستقیمی بر استثمار خارجی در کشورها داشته باشد. کشورهای با درآمدهای بالا و بازارهای بزرگ‌تر ممکن است جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشند، در حالی که کشورهای با درآمدهای پایین‌تر و بازارهای کوچک‌تر دسترسی کمتری به سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند. این می‌تواند منجر به نابرابری در سرمایه‌گذاری و تکنولوژی بین کشورها شود و در نهایت کشورهای با درآمد پایین تبدیل به مستعمره کشورهای بزرگ و با درآمد بالا بشوند. مهاجرت: نابرابری درآمدی می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مهاجرت افراد به دیگر کشورها تأثیر بگذارد. افراد از کشورهای با درآمدهای پایین‌تر به دنبال فرصت‌های بهتر اقتصادی در کشورهای با درآمدهای بالاتر هستند. این مهاجرت می‌تواند تأثیر زیادی بر جمعیت، اقتصاد و جامعه کشورها داشته باشد و نیز می‌تواند تنش‌هایی در روابط بین‌المللی ایجاد کند؛ بنابراین نابرابری درآمدی می‌تواند به شکل‌های مختلفی بر روابط بین‌المللی تأثیر بگذارد و به تنش‌ها و اختلافاتی منجر شود. ایجاد روابط بین‌المللی پایدار، نیازمند کاهش نابرابری درآمدی و تأمین فرصت‌های برابر برای تمامی کشورها است.

حوزه خلیج فارس که شامل کشورهای ایران، عربستان سعودی، عمان، امارات متحده عربی، کویت، قطر و بحرین است؛ به‌عنوان یکی از مناطق دارای منابع مهم نفت جهان شناخته می‌شود. کشورهای این منطقه تولیدکننده و صادرکننده بزرگ نفت، گاز و سایر منابع طبیعی هستند. در نتیجه، تأمین انرژی برای جهان و قیمت نفت در بازار جهانی به طور مستقیم وابسته به این کشورها است. منابع طبیعی فراوان به‌خصوص نفت این کشورها برای دنیا بسیار بااهمیت است. از طرفی موقعیت جغرافیایی این کشورها نیز بسیار مهم است؛ زیرا قدرت‌های خاورمیانه محسوب می‌شوند، بنادر و شاهراه‌های مهم آبی در آسیا متعلق به این کشورها است و کشورهای حوزه خلیج فارس برای سرمایه‌گذاری و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی اهمیت زیادی دارند. ثروت نفتی غنی این کشورها به آن‌ها امکان می‌دهد برنامه‌های بزرگ توسعه اقتصادی، زیرساخت‌ها، صنعت و گردشگری را در دست بگیرند. این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی جهانی و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته باشد. به همین دلایل ثبات و امنیت این منطقه برای امنیت تأمین انرژی و ثروت جهان اهمیت دارد. باتوجه‌به اهمیت کشورهای حوزه خلیج فارس و موضوع نابرابری که مطرح شد، در ادامه به بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق این موضوع پرداخته می‌شود.

نظریه‌های توزیع درآمد به دو گروه کلی نظریه‌های توزیع درآمدی مبتنی بر عوامل تولید و توزیع درآمد شخصی تقسیم می‌شود (دبیر و همکاران، ۱۳۹۳). توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (توزیع عملکردی درآمد) بر مفاهیم اصلی اقتصاد مانند سهم عوامل تولید (شامل نیروی کار، سرمایه، زمین، مدیریت و بهره‌وری، دستمزد، سود و اجاره‌بها) متمرکز است. توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید را اولین بار ریکاردو^۱ مطرح کرد. او با تقسیم کردن جامعه به طبقه اقتصادی "مالکان زمین"، "سرمایه‌داران" و "کارگران" معتقد بود محصول نهایی حاصل نیروی کار، ماشین و سرمایه است، و باید بین مالک زمین، دارنده سرمایه و نیروی کار به‌صورت مساوی تقسیم شود. توزیع شخصی یا مقداری درآمد، مستقل از منبع آن است. به عبارتی در این نوع توزیع، نحوه کسب درآمد اهمیتی نداشته؛ بلکه مهم این است که اشخاص و یا خانوارها چه مقدار درآمد کسب می‌کنند، صرف‌نظر از این که این درآمد از چه منبعی بدست آمده باشد. کارشناسان توسعه اقتصادی به این نوع توزیع علاقه‌مند هستند (فتح‌اللهی و همکاران، ۲۰۱۳). مسائل و مشکلات اجتماعی مانند فقر، نابرابری درآمدی و سایر مسائل در این بخش قرار می‌گیرد.

¹ Ricardo

نمودار ۱. نمودار ضریب جینی جهان



منبع: بانک جهانی

نمودار (۱) روند میانگین ضریب جینی جهان طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۱۰ است. نمودار ضریب جینی در جهان در سال‌ها اخیر نزولی و در برخی از سال‌ها شیب بسیار زیادی را دارا است که نشان از بهتر شدن اوضاع نابرابری درآمدی در اغلب کشورهای جهان دارد. نابرابری درآمدی آسیب‌های بسیاری زیادی به جامعه و اقتصاد کشور وارد می‌کند. با توجه به نابرابری زیاد در منطقه خلیج فارس باید با ابزارهای در دسترس شدت نابرابری در منطقه را کاهش داد تا از تبعات آن جلوگیری شود.

برای حل مشکل فقر، توزیع نابرابر درآمد و مشکلات اجتماعی آن راه‌حل‌های زیادی ارائه شده است؛ ولی اغلب در کوتاه‌مدت مشکل را حل کرده و پیامدهای نامطلوب بسیاری در بلندمدت داشته است. برای رفع این مشکلات و پیامدهای آن در مرحله اول باید عوامل اثرگذار بر نابرابری درآمد شناسایی شود. مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر اساس نتایج تحقیقات کشورهای مختلف سن، جنس، ملیت، نژاد، عوامل طبیعی و جغرافیایی، عوامل فرهنگی و تاریخی، سیاست‌های اقتصادی، نوع درآمد و اشتغال، ساختار بازار و... است (بیرانوند، ۱۳۹۰). گوستافسون و جوهانسون^۱ (۱۹۹۷) نشان دادند بیکاری، تورم، تولید ناخالص داخلی سرانه، شرکت زنان در بازار کار، سهم اشتغال بخش‌های اقتصادی از جمله عوامل مؤثر بر توزیع درآمد هستند.

نقش‌پذیری منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی مانند نفت و گاز یکی از مباحث کلیدی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت است. تصور می‌شود که این کشورهای دارای منابع غنی طبیعی از با اقبال‌ترین کشورها باشند، چرا که منابع طبیعی سرمایه با ارزشی محسوب می‌شود که می‌تواند با تبدیل شدن به زیرساخت‌های اساسی مانند مدارس، بنادر، جاده‌ها و دیگر انواع سرمایه و تکنولوژی، موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی یک کشور را فراهم کند. با این وجود اغلب مطالعات تأثیر منفی و فور منابع طبیعی بر رشد را تأیید کرده‌اند که در مبانی نظری از آن به‌عنوان نفرین منابع یاد می‌شود. منابع طبیعی و دریافتی حاصل از آن، نه به‌طور مستقیم، بلکه از مسیرهای مختلف مانند تغییر میزان تولید، ایجاد وابستگی به بخش استخراج منابع، بالابردن نرخ حقیقی ارز، افزایش واردات و غیره، بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده است. وجود نهادهایی با زیرساخت قانونی ضعیف نیز به بروز فساد و ایجاد فرصت‌های رانت‌جویی برای در اختیار گرفتن درآمد ناشی از منابع کمک می‌کند و می‌تواند توزیع درآمد در جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و آن را به سمت یک توزیع نابرابر هدایت کند.

¹ Gustafsson and Johansson

ساراف و جیوانجی^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی اثر افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی در کشور بوتسوانا پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق مزبور، محققان در این کشور با مدیریت و تخصیص مناسب درآمدها توانسته است از یک نرخ رشد اقتصادی مناسب و پایدار برخوردار شود و نابرابری درآمدی را کاهش دهد.

مالایه و همکاران^۲ (۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های ترکیبی ۴۰ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۸، اثر رانت درآمدهای نفتی بر نابرابری را بررسی نمودند؛ نتایج نشان داد که رابطه غیرخطی U شکل میان درآمدهای نفتی و نابرابری وجود دارد، به نحوی که درآمدهای نفتی، نابرابری را در کوتاه‌مدت کاهش داده است ولی با ادامه روند افزایشی درآمد نفت، این رابطه به تدریج در بلندمدت معکوس شده است. به علاوه کاهش نابرابری درآمد در نتیجه افزایش درآمدهای نفتی، ارتباط تنگاتنگ با افزایش فساد دارد، در نهایت در صورت مدیریت صحیح منابع نفتی، می‌تواند به عنوان یک موهبت در اقتصاد نقش ایفا کند.

کیم و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان "آیا درآمدهای نفتی سبب ایجاد نابرابری درآمدی می‌شود" به بررسی تأثیر نفت بر نابرابری درآمدی در ۴۹ کشور شامل اوپک و کشور OECD با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و بهبود کیفیت نهادی به واسطه وفور نفت، نابرابری درآمدی را کاهش داده است.

جرجرزاده و اقبالی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد پرداختند. شاخص به کار گرفته توزیع درآمد در ایران در این مطالعه ضریب جینی بوده است. روش برآورد الگوی مورد استفاده در این مطالعه الگوی خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که درآمدهای نفتی سبب نابرابر شدن توزیع درآمد در کل کشور شد. همچنین گلستانی و رحمانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با کمک الگوی داده‌های تابلویی، درآمدهای نفتی در کشورهای نفت خیز دارای دولت کارا را سبب کاهش نابرابری توزیع درآمد دانسته‌اند.

مرادی (۱۳۸۹) به بررسی اثر فراوانی منابع نفتی بر دو متغیر کلان اقتصادی (رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی) طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۵ پرداخته است. بر اساس نتایج، اثر فراوانی منابع نفتی بر روی تولید ناخالص داخلی در بلندمدت مثبت و معنی‌دار بوده است؛ اما اندازه این ضریب کوچک است. همچنین، بر اساس نتایج تحقیق مزبور فراوانی منابع نفتی اثر منفی و معنی‌داری بر توزیع درآمد داشته است.

جعفری و شایگان مهر (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر وابستگی به انرژی نفت بر توزیع درآمد در گروه کشورهای در حال توسعه غنی از منابع نفت پرداختند. نتایج با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۷ نشان داد که وابستگی به نفت به افزایش نابرابری درآمدی منتهی شده است.

شواهد تجربی و داده‌ها نشان می‌دهند به استثنای سال‌هایی که به دلایلی قیمت نفت بسیار کاهش یافته در مجموع هزینه تولید و استخراج نفت حدود ۱۰ درصد قیمت آن است و مابقی آن سود خالص است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۸). در اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران درآمد حاصل از فروش نفت به دولت تعلق دارد و به صورت مستقیم به سایر بخش‌های اقتصادی کشور مربوط نیست. بنابراین سیاست‌های مالی و تدابیر دولت تعیین کننده اصلی است. اگر سیاست‌های اصولی و مطابق نیاز جامعه طراحی و اجرا شود درآمدهای نفتی به کاهش نابرابری منجر می‌شود؛ ولی اگر سیستم دولتی شفاف نباشد و برنامه‌ریزی اصولی جهت راهبرد اهداف کشور صورت نگیرد، زمینه را برای رانت‌جویی و فساد ایجاد می‌کند در این صورت علاوه بر این که توزیع درآمد بهتر نمی‌شود باعث نابرابری شدید اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. در نتیجه برای تعیین تأثیر درآمدهای حاصل از فروش نفت بر نابرابری باید نگاهی به سیاست‌های دولت و نحوه اجرای آن داشت.

¹ Sarraf and Jivanji

² Mallaye et all

³ Kim

تورم به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین پدیده‌های اقتصادی که از گذشته در جهان وجود داشته است. ادامه‌دار شدن و عدم کنترل تورم علاوه بر آثار نامطلوب اقتصادی اثرات نامطلوب سیاسی و اجتماعی نیز دارد. تورم می‌تواند نابرابری‌های مختلفی در جامعه ایجاد کند که اصل‌ترین آن نابرابری درآمدی است. تورم از کانال‌های مختلفی بر نابرابری اثر می‌گذارد. بیرانوند (۱۳۹۴) راه‌های تأثیر تورم بر نابرابری را بررسی کرد و نشان داد تورم از طریق کانال نرخ بهره، کانال رشد و توسعه اقتصادی، رفتار مصرف‌کننده‌ها، کارایی اقتصادی، بودجه دولت و بازرگانی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر نابرابری اثرگذار خواهد بود.

بالر^۱ (۲۰۰۱) ۷۵ کشور مختلف را طی ۲۲ سال مورد بررسی کرد که نتایج نشان از تأثیر تورم در کشورهای با درآمد بالا و با درآمد پایین نسبت به کشورهای با درآمد متوسط قوی‌تر است و هزینه تورم (تأثیر منفی) در طی دوره تورم حاد بیشتر است. تمامی مبنای نظری و مرور ادبیات نشان از تأثیر زیاد تورم بر نابرابری به شکل عکس دارند به‌طوری که با بالا رفتن تورم، نابرابری درآمدی شدت می‌یابد. همچنین آمورنثم^۲ (۲۰۰۴) در منتخب کشورهای آسیایی وجود رابطه غیرخطی بین تورم و نابرابری درآمدی را نشان دادند و تأکید کردند تورم اثر عکس بر نابرابری دارد بخصوص در نرخ بالای تورم، نابرابری در جامعه تشدید می‌شود.

در ایران نیز مطالعات زیادی در ارتباط با تأثیر تورم بر نابرابری صورت گرفته است. اقلامی (۱۳۸۵) با بررسی داده‌های ایران در بازه سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۵ نشان داد بین تورم و نابرابری درآمدی رابطه مثبت و معنی‌داری و غیرخطی وجود دارد و در تورم‌های بسیار شدید می‌توان با کاهش تورم نابرابری را بسیار بهبود بخشید.

از جمله نیازهای اساسی هر جامعه داشتن فرصت‌های شغلی متنوع و مناسب است تا با داشتن شغل و کسب درآمد توسط افراد به رشد و توسعه اقتصادی کمک بشود. بیکاری ابعاد گسترده‌ای دارد و فقط از علل اقتصادی نمی‌توان آن را بررسی کرد؛ بلکه مشکلات طبیعی، فرهنگی و سیاسی نیز در آن نقش دارند. ماهیتاً بیکاری پدیده منفی و از معضلات اساسی جوامع امروزی است. طبق تعریف مرکز آمار ایران جمعیت بیکار عبارت از جمعیت فعالی که موفق به پیدا کردن شغل مناسب نشده است. بیکاری انواع مختلفی دارد ولی می‌توان به دودسته کلی بیکاری ارادی^۳ و غیرارادی^۴ تقسیم کرد. بیکاری ارادی به آن دسته از بیکاری گفته می‌شود که خود فرد باتوجه به دستمزد علاقه‌ای به انجام کار کردن ندارد. بیکاری ارادی شامل بیکاری ادواری، ساختاری، اصطحکاک و فصلی نیز می‌شود (تودارو^۵، ۱۳۷۸) در بیکاری غیرارادی، خود فرد تمایل به کار کردن در دستمزد رایج جامعه را دارد منتها شغل متناسب پیدا نمی‌کند.

برای بررسی تأثیر اشتغال بر نابرابری درآمدی باید توجه کرد که افزایش در بیکاری و اشتغال ناقص باعث افزایش روزافزون افراد کم‌درآمد و کاهش سطح زندگی دهک‌های پایین درآمدی می‌شود و در نهایت منجر به تشدید نابرابری درآمدی خواهد شد. اگر نرخ بیکاری در کشوری بالا باشد، نیروی کار بامهارت و تحصیل کرده که سرمایه انسانی جامعه است مجبور به مهاجرت به کشوری با درآمد بالاتر و نرخ بیکاری کمتر می‌شود و سرمایه انسانی در کشور مبدأ کاهش می‌یابد و در کشور مقصد افزایش می‌یابد و در نهایت منجر به تشدید نابرابری بین کشوری می‌شود. مارتینز^۶ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین بیکاری و نابرابری و فقر در ۱۹ کشور OECD در بازه سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۸ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده رابطه ناهمگون بین خدمات بیکاری کشورها با نابرابری درآمدی دارد به صورتی که کشورهای با خدمات بیکاری کمتر، توزیع درآمد برابرتری دارند همچنین وجود ارتباط بین بیکاری و نابرابری در این کشورها تأیید شده است. رابطه بیکاری با نابرابری و فقر مستقیم است و هر چه بیکاری بالاتر برود فقر و نابرابری نیز افزایش می‌یابد.

انصاری و خیل‌کردی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر نرخ بیکاری و نابرابری توزیع درآمدی" به بررسی تأثیر بیکاری بر نابرابری درآمدی پرداختند. برای این منظور از داده‌های سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۹۳ در سطح استان‌های کشور و الگوی اقتصادسنجی پویای تابلویی و تخمین زنده DOLS استفاده شده است. نتایج برآورد مدل‌ها نشان می‌دهد که افزایش نرخ بیکاری در بلندمدت، افزایش نابرابری توزیع درآمد در استان‌های

¹ Bulir

² Amornthum

³ Voluntary Unemployment

⁴ In- Voluntary Unemployment

⁵ Todaro

⁶ Martinez

کشور را به همراه داشته داشت، اما رابطه‌ای در کوتاه‌مدت بین این دو متغیر برقرار نیست. همچنین افزایش نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی و مخارج جاری دولت نیز در بلندمدت نابرابری درآمد را که با ضریب جینی اندازه‌گیری شده است، افزایش می‌دهند. نتایج مدل تصحیح خطا بیانگر این است که در کوتاه‌مدت، متغیرهای نرخ بیکاری و اندازه دولت رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته ندارند. همچنین نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت رابطه مستقیم با نابرابری دارند.

مرور ادبیات پیشین و بررسی مبانی نظری وجود ارتباط بین نابرابری درآمدی و درآمدهای حاصل از فروش نفت را تأیید می‌کنند. همچنین ارتباط بین ضریب جینی که شاخص نابرابری درآمدی در این پژوهش است با متغیرهای کنترلی مدل (تورم و بیکاری) را تأیید می‌کند. در مطالعات پیشین صورت‌گرفته کشورهایی با سیستم دولتی و اجتماعی متفاوت در نظر گرفته شده است؛ ولی در این پژوهش منتخبی از کشورهای حوزه خلیج فارس که از نظر اجتماعی و موقعیتی در یک سطح هستند و همگی کشورهای درحال توسعه هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد. از طرفی درآمد اصلی تمام این کشورهای نفت است. از دیگر نوآوری‌های این پژوهش انتخاب متغیرهای کلان اقتصادی است که بر نابرابری درآمدی تأثیر مستقیم دارند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیرگذاری درآمدهای حاصل از فروش نفت، بیکاری و تورم بر نابرابری درآمدی در کشورهای حوزه خلیج فارس است. متغیرهای کنترلی مدل از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی اثرگذار بر نابرابری درآمدی هستند که با کمک الگو اقتصادسنجی داده‌های تابلویی بررسی می‌شود. به دلیل اینکه کارهای پژوهشی در ارتباط با این موضوع با در نظر گرفتن کشورهای حوزه خلیج فارس کمتر انجام شده است، نتایج این پژوهش می‌تواند به دولت‌های این منطقه کمک کند تا در جهت کاهش نابرابری اقدامات لازم را انجام بدهند. همچنین می‌تواند اوضاع نابرابری ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه را مورد بررسی قرار دهد.

روش

کشورهای حوزه خلیج فارس شامل کشور ایران و کشورهای عربی عربستان سعودی، عمان، امارات متحده عربی، کویت، قطر و بحرین هست؛ ولی داده‌های کشور امارات در مراکز آماری معتبر بین‌المللی برای برخی از سال‌ها وجود نداشت که مجبور به حذف کشور امارات از مدل پژوهش شدیم؛ بنابراین جامعه آماری این پژوهش شامل ۶ کشور حوزه خلیج فارس در بازه سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۰ است.

مطالعات بسیاری درباره نحوه اثرگذاری درآمد نفتی بر نابرابری درآمدی صورت گرفته است. در این مطالعات بنا به نوع پژوهش از روش‌های متفاوتی استفاده شده است؛ اما در اکثریت این پژوهش‌ها، ضریب جینی به عنوان متغیر وابسته و درآمد نفتی به عنوان متغیر مستقل مدل در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر نیز همانند مطالعات پیشین از ضریب جینی به عنوان شاخص اندازه‌گیری نابرابری و متغیر وابسته، و از درآمد نفتی به عنوان متغیر مستقل اصلی استفاده شده است. برای برآورد دقیق‌تر مدل از اصلی‌ترین متغیرهای کلان اثرگذار بر نابرابری شامل بیکاری و تورم نیز به عنوان متغیرهای توضیحی کنترلی استفاده شده است؛ بنابراین رابطه تجربی مطالعه حاضر به صورت رابطه (۱) است:

$$Gini = f(\text{oil}, \text{un}, \text{Inf}) \quad (1)$$

که در این رابطه $Gini$ ضریب جینی، oil درآمدهای حاصل از فروش نفت، un نرخ بیکاری و Inf تورم است.

مدل تجربی که در مرحله برآورد از آن استفاده می‌شود به صورت رابطه (۲) است:

$$Gini_{it} = \alpha + \beta_1 \text{oil}_{it} + \beta_2 \text{un}_{it} + \beta_3 \text{Inf}_{it} + U_{it} \quad (2)$$

در رابطه بالا α عرض از مبدأ، β ضریب هر کدام از متغیرهای مستقل مدل است و U_{it} نشان‌دهنده جزء اخلاص است. α نمایانگر مقطع که در این پژوهش هر کدام از کشورها است و t نمایانگر بعد زمان است. بنابراین باتوجه به ماهیت داده‌ها از الگوی داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

داده‌های مربوط به شاخص ضریب جینی کشورها از سایت بانک جهانی و برای بعضی از سال‌ها که بانک جهانی داده موردنظر را نداشت از مراکز آماری کشورها گرفته شده است. داده‌های درآمد نفتی نیز از سایت اوپک و بانک جهانی به دست آمده است. داده‌های نرخ بیکاری و تورم نیز از سایت بانک جهانی گرفته شده است.

نتایج

برای برآورد مدل از داده‌های ۶ کشور در طی دوره زمانی ۲۱ سال استفاده شده است؛ لذا تعداد مشاهدات برای هر متغیر ۱۲۶ است. برای انتخاب الگوی مناسب لازم است آزمون‌های قبل از برآورد صورت بگیرد. در این پژوهش از آزمون F چو برای تشخیص داده‌های ترکیبی یا داده‌های تابلویی و از آزمون هاسمن برای انتخاب بین روش اثرات ثابت یا روش اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج هر دو آزمون تأیید الگوی اثرات تصادفی برای داده‌های تابلویی است. داده‌های تابلویی اغلب دارای ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی هستند و برای رفع آن باید از روش GLS استفاده شود. در جدول زیر نتایج برآورد مدل نهایی آورده شده است.

جدول (۱). برآورد مدل نهایی به روش GLS

متغیر	ضریب برآورد	آماره Z	احتمال خطا
Oli	-5.57e-13	-2/99	0/003
Un	-3/299	6/96	0/000
Inf	0/622	2/69	0/007

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد نهایی مدل ارتباط معنی‌دار بین درآمدهای نفتی و ضریب جینی را تأیید می‌کند. این ارتباط منفی بوده به این معنی که با افزایش درآمد نفتی در کشورهای حوزه خلیج فارس نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. برای بیکاری ارتباط معنی‌دار و مثبت است به این صورت که با افزایش نرخ بیکاری ضریب جینی افزایش می‌یابد و نابرابری در جامعه بیشتر می‌شود. تورم نیز ارتباط معنی‌دار و مثبتی با نابرابری درآمدی دارد و با افزایش تورم ناعدالتی در جامعه بیشتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

عدالت و توزیع عادلانه درآمد از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و دولت‌ها است. در کشورهای دارای منابع طبیعی، به‌واسطه دولتی بودن این منابع، نقش سیاست‌های مالی و بازتوزیع درآمدی که توسط دولت اجرا می‌شود بسیار بیشتر است؛ زیرا اگر سیاست مالی صحیح اتخاذ و اجرا نشود نابرابری و شکاف طبقاتی تشدید می‌شود، فرصت برای فساد و جرایم اخلاقی ایجاد می‌شود و زمینه را برای بسیاری از معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهیا می‌کند. در صورتی که درآمدهای حاصل از فروش نفت اگر اصولی و با برنامه خرج بشوند با سرمایه‌گذاری درست توسط دولت باعث افزایش رفاه، رشد، اشتغال و در نهایت برابری در جامعه خواهد شد.

در مرور ادبیات مطرح شد که تأثیر درآمد نفتی بر نابرابری نامشخص است؛ زیرا تعدادی از پژوهش‌ها تأثیر مثبت و تعدادی تأثیر منفی آن را ثابت کردند. نتایج این پژوهش نشان دادند که در کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌استثنای امارت که بنا به دلایل مطرح شده بررسی نشد، درآمدهای حاصل از نفت باعث عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد در این کشورها شده است. این تأثیر مثبت را می‌توان از چندین جنبه بررسی کرد:

۱. رشد اقتصادی: دارابودن منابع نفت غنی می‌تواند به رشد اقتصادی سریع و گسترده منجر شود. این رشد اقتصادی می‌تواند فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد را برای جامعه فراهم کند و در نتیجه نابرابری درآمدی را کاهش دهد.
۲. رشد اقتصادی: دارابودن منابع نفت غنی می‌تواند به رشد اقتصادی سریع و گسترده منجر شود. این رشد اقتصادی می‌تواند فرصت‌های اشتغال و کسب درآمد را برای جامعه فراهم کند و در نتیجه نابرابری درآمدی را کاهش دهد.
۳. فرصت‌های آموزشی: منابع نفتی می‌تواند فرصت‌های آموزشی و دسترسی به آموزش عالی را افزایش دهد. این امر می‌تواند توانایی افراد را در بازار کار ارتقای داده و به کاهش نابرابری درآمدی کمک کند.

به‌رحال باید توجه داشت که تأثیر مثبت درآمد حاصل از نفت بر نابرابری درآمدی در یک کشور به عوامل بسیاری، مانند مدیریت منابع، سیاست‌های دولتی، نظام مالی و اقتصادی، آموزش و توسعه اقتصادی، بستگی دارد. همچنین، با تمام مزایایی که وجود منابع نفتی برای کشورهای این منطقه دارد نیاز اقتصاد کاملاً وابسته به نفت باشد و برای سایر بخش‌های اقتصاد برنامه و سیاستی نداشت؛ زیرا اقتصاد را آسیب‌پذیر و وابسته به صادرات نفت می‌کند. علاوه بر این، برخی نگرانی‌ها وجود دارد که درآمدهای نفتی ممکن است منجر به تغییر در ساختار اقتصادی کشور شود و به برخی بخش‌های اقتصادی بیشتر از سایرین تمرکز کند. این ممکن است باعث افزایش نابرابری درآمدی بین مناطق و بخش‌های مختلف کشورها شود؛ بنابراین، درک کامل تأثیر مثبت درآمد حاصل از نفت بر نابرابری درآمدی نیازمند بررسی دقیق و جامع‌تر از عوامل مختلف است. توسعه یک استراتژی مناسب برای بهره‌برداری و مدیریت منابع نفتی، تنوع اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی، ایجاد فرصت‌های اشتغال و توسعه اجتماعی، آموزش و توسعه بشری، و تقویت نظام مالی و قوانین نفتی می‌تواند به کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای وابسته به نفت کمک کند.

نتایج پژوهش اثر منفی تورم و بیکاری بر نابرابری درآمدی را همانند سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته مرور ادبیات تأیید کردند. با بالا رفتن تورم درآمد دهک‌های پایین و متوسط جامعه معمولاً به‌اندازه نرخ تورم بالا نمی‌رود و این باعث کاهش قدرت خرید مردم می‌شود؛ بنابراین تورم معمولاً بر افراد ضعیف‌تر جامعه، از جمله افراد با درآمدهای پایین‌تر و گروه‌های آسیب‌پذیر، تأثیر بیشتری دارد. این افراد ممکن است دسترسی کمتری به منابع و امکانات داشته باشند و زمینه برای افزایش نابرابری درآمدی را فراهم کند. بیکاری می‌تواند باعث کاهش درآمدهای کارگران شود و نابرابری درآمدی را افزایش دهد. افرادی که بدون شغل هستند یا در شغل‌های با درآمد پایین فعالیت می‌کنند، اغلب با مشکلات مالی و کاهش قدرت خرید مواجه می‌شوند که می‌تواند منجر به افزایش نابرابری درآمدی بشود.

در ادامه به پیشنهادها و راهبردهایی برای کاهش نابرابری در منطقه پرداخته می‌شود. تورم علاوه بر افزایش نابرابری آثار زیان‌باری بر اقتصاد و اجتماع دارد و باید با کمک سیاست‌های مناسب به ویژه سیاست پولی کنترل شود. دولت‌ها با ایجاد اشتغال می‌توانند به رشد و کاهش نابرابری کمک بزرگی بکنند. دولت‌ها در زمان افزایش قیمت نفت و بالا رفتن درآمد با سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی باعث ایجاد اشتغال و ارتقای بهره‌وری می‌شوند که در نهایت نابرابری کاهش می‌یابد. با توجه به تأثیر مثبت درآمدهای نفتی بر کاهش نابرابری، اگر کشورهای صادرکننده نفت که عمده آن‌ها کشورهای حوزه خلیج فارس هستند با هم متحد باشند می‌توانند قیمت نفت را بالا برده و از این طریق درآمد دولت بیشتر شود و نهایتاً نابرابری کاهش یابد. دولت‌ها باید درآمد حاصل از نفت را در جهت نیاز جامعه سرمایه‌گذاری کنند و با ایجاد زیرساخت‌های لازم رفاه عمومی جامعه و منطقه را افزایش بدهند و در نهایت نابرابری کاهش یابد.

منابع فارسی

- اقلامی، س. (۱۳۸۸). اثر غیرخطی تورم بر نابرابری درآمدی در ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- انصاری سامانی، ح، خیل کردی، ر. (۱۳۹۸). نرخ بیکاری و نابرابری توزیع درآمد (مورد مطالعه: استان های ایران). پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۴(۸۱)، ۱۵۷-۱۸۶.
- بیرانوند، م. (۱۳۹۴). مطالعه بین استانی تأثیر تورم و بیکاری بر توزیع درآمد در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد.
- جرجزاده، ع و اقبالی، ع. (۱۳۸۴). بررسی اثرهای درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی (۱۷): 1-19
- جعفری، م، و شایگان مهر، س. (۱۴۰۰). نابرابری درآمدی و نفرین نفت: مطالعه کشورهای غنی از انرژی نفت. مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۷(۷۱)، ۶۷-۱۱۲.
- دبیری، ح؛ بهروزی، و؛ تربتی، ح. (۱۳۹۳). اندازه گیری و بررسی نابرابری توزیع درآمد در ایران. ارومیه، نشر فرسار، به سفارش اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان آذربایجان غربی.
- سامتی، م، خانزادی، آ، یزدانی، م. (۱۳۸۸). اثرات درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد بر توزیع درآمد: مطالعه موردی کشور ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، ۶(۴): ۵۱-۷۲.
- مرادی م. (۱۳۸۹). تأثیر نفت بر نماگرهای اقتصاد کلان ایران: با تأکید بر مکانیزم های انتقال و آثار آن. پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) ۱۰(۲): ۶۳-۵۲

منابع انگلیسی

- Amorntum, S. (2004), "Income Inequality, Inflation and Nonlinearity: The Case of Asian Economies"
- Bulir, A; (2001), "Income Inequality: Does Inflation Matter?". IMF Staff Papers 48(1): 139-159
- Mallye, D. Timba, G. T. & Yogo, U. T. (2015). "Oil Rent and Income Inequality in Developing Economies: Are they Friends or Foes?". halshs-01100843f, CERDI - Centre d'Études et de Recherches sur le Développement International.
- Martinez, R., Ayala, I., & Ruiz-Huerta, J. (2001). *The impact of unemployment on inequality and poverty in OECD countries*. The Economics of Transition, 9(2), 417-447. doi:10.1111/1468-0351.00082
- Sarraf, M. & M. Jiwanji. (2001). *Beating the Resources Curse: the Case of Botswana*, Environmental Economics Series, Paper No. 83.

پژوهشگران گرامی

مریم ریشه چی فیاض، محمدعلی فلاحی

گواهی می شود، مقاله با عنوان:

بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر نابرابری درآمدی

توسط داوران منتخب کمیته علمی کنفرانس به صورت سخنرانی پذیرفته گردیده است. مجموعه برگزار کننده کنفرانس برای پژوهشگران گرامی توفیق روز افزون را آرزومند است.

مهندس غلامرضا محمدی پور
دبیر اجرایی کنفرانس
دکتر مهدی نداف
دبیر علمی کنفرانس

ششمین کنفرانس ملی
اقتصاد، مدیریت و حسابداری
تیر ماه ۱۴۰۲

